

نسبت مفاهیم اعتباری حقیقی و واقع خارجی و ذهنی در وحدت و کثرت^۱

سید مجید میردامادی *

چکیده

موضوع این جستار، بررسی نسبت مفاهیم اعتباری حقیقی (مفاهیم فلسفی و منطقی) و واقع خارجی و ذهنی آنها در وحدت و کثرت است. مسأله این است که آیا وحدت یا کثرت واقع خارجی و ذهنی (منشأ انتزاع) مفاهیم فلسفی و منطقی، مستلزم وحدت یا کثرت مفهوم است؟ آیا وحدت یا کثرت مفهوم فلسفی و منطقی از وحدت و کثرت منشأ انتزاع آنها حکایت دارد؟ در پاسخ به پرسش‌های مذکور، فرضیه‌ها و گزاره‌هایی صورت‌بندی می‌شوند. روش انجام این تحقیق، تحلیلی از طریق تحلیل مفهومی و گزاره‌ای است و مهم‌ترین نتایج و یافته‌های این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. در محمول منطقی که خصوصیت معنایی مناسب با منشأ انتزاع خود ندارد، تعدد سنخ مفهوم منطقی، از کثرت سنخ معنایی منشأ انتزاع کشف نمی‌کند؛ همان‌طور که کثرت سنخ منشأ انتزاع، مستلزم کثرت سنخ مفهوم منطقی نیست. ۲. در محمول منطقی که خصوصیت معنایی مناسب با منشأ انتزاع دارد، میان مفهوم و منشأ انتزاع آن در وحدت و کثرت، تلازم (استلزام از دو طرف مفهوم و منشأ انتزاع آن) است. ۳. در مفاهیم فلسفی با لحاظ خصوصیت مسانخ و مناسب مفهوم در منشأ انتزاع محمول فلسفی، وحدت مفهوم از وحدت خصوصیت در منشأ انتزاع حکایت می‌کند و کثرت سنخی منشأ انتزاع، مستلزم کثرت مفهوم است. ۴. در مفاهیم اعتباری حقیقی برحسب دیدگاه مشهور، که خصوصیت مناسب مفهوم در منشأ انتزاع آن لحاظ نمی‌شود، میان مفهوم و منشأ انتزاع، در وحدت و کثرت تلازم نیست.

واژگان کلیدی: اعتباریات، معقول منطقی، معقول فلسفی، منشأ انتزاع (واقع عینی و ذهنی)، وحدت، کثرت.

* استادیار جامعه المصطفی (ص) العالمية

رایانامه: mirdamadphilosophy@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۳۰

طرح مسأله

مسأله مقاله این است: رابطه میان مفاهیم اعتباری حقیقی (مفهوم معقول ثانی منطقی و معقول ثانی فلسفی) و منشأ انتزاع (واقع عینی و ذهنی) آنها، از حیث وحدت و کثرت، چگونه است؟ آیا وحدت محمول من صمیمه (مفاهیم منطقی و فلسفی)، از وحدت واقع عینی و ذهنی (منشأ انتزاع) آنها، حکایت دارد یا ندارد؟ آیا کثرت محمول من صمیمه از کثرت موضوع یا منشأ انتزاع آنها، حکایت دارد یا ندارد؟ آیا کثرت منشأ انتزاع (کثرت عرضی و طولی وجود در مفهوم فلسفی و کثرت سنجی مفهوم در مفهوم منطقی)، مستلزم کثرت مفهوم است؟ آیا وحدت منشأ انتزاع مفهوم انتزاعی فلسفی و منطقی، مستلزم وحدت مفهوم است یا نیست؟ در پاسخ به پرسش‌های مذکور، نسبت هریک از اقسام مفاهیم منطقی و فلسفی و واقع عینی و ذهنی آنها از حیث وحدت و کثرت تبیین می‌شود.

اقسام مفاهیم و ادراکات

ادراکات ماهوی، مفاهیم حقیقی هستند. از اقسام دیگر ادراکات، مفاهیم اعتباری^۲ هستند. مفاهیم اعتباری به دو قسم تقسیم می‌شوند: ۱. اعتباریات به معنای اعم (معقولات ثانیه منطقی و فلسفی) و ۲. اعتباریات به معنای اخص یا محضه (اعتباریات عملی و شعری).^۳ اعتباریات مقابل ماهیات، اعتباریات به معنای اعم هستند.^۴ مفهوم اعتباری به معنای اعم، به چند قسم تقسیم می‌شود: ۱. مفهومی که مصداق آن، خارجی محض است؛ یعنی حیثیت مصداقش، حیثیت در خارج بودن است و بر آن آثار خارجی مترتب می‌شود و به ذهن که حیثیت آن عدم ترتب آثار است، داخل نمی‌شود؛ زیرا مستلزم انقلاب ذات است؛ مانند: وجود و صفات حقیقی وجود؛ مثل: وحدت و وجوب، ۲. مفهومی که مصداق آن، بطلان محض است؛ مانند: مفهوم عدم، ۳. مفهومی که حیثیت مصداق آن، حیثیت در ذهن بودن است؛ که اگر در خارج موجود شود، انقلاب در ذات لازم می‌آید؛ مانند: مفهوم کلی، جنس و فصل.^۵

مفاهیم اعتباری (معقول ثانی منطقی و فلسفی)

مفهوم معقول ثانی منطقی

معقول ثانی منطقی از اوصاف و عوارض ذهنی مفهوم است و به تعبیر دیگر، موضوع یا منشأ انتزاع محمول‌های منطقی، مفهوم؛ اعم از معقول اول، معقول ثانی منطقی و فلسفی

است. وجود عینی مفاهیم منطقی حالت ذهنی موجود ذهنی است؛ مانند: نوعیت برای انسان و جزئیت برای اشخاص.^۶

مفهوم معقول ثانی فلسفی

مفهوم معقول ثانی فلسفی از مفاهیم اعتباری است که پس از تحقق معقول اول با فعالیت عقلانی در ذهن حاصل می‌شود. موضوع و منشأ انتزاع معقول ثانی فلسفی، معقول اول است. مفهوم اعتباری بر خلاف مفهوم حقیقی (معقول اول)، بر بیش از یک مقوله صدق می‌کند.

اقسام واقع ذهنی مفهوم منطقی

واقع ذهنی یا منشأ انتزاع مفاهیم منطقی، دارای اقسامی است:

(۱) مفاهیم منطقی که منشأ انتزاع آنها مفهوم ماهوی است؛ مانند: انسان و حیوان که مفاهیم ماهوی مذکور، منشأ انتزاع مفهوم نوع و جنس هستند.

(۲) مفاهیم منطقی که موضوع آنها، مفهوم منطقی است؛ مانند: مفهوم کلی منطقی و مفاهیم حد، رسم، موضوع، محمول و قضیه. در این قسم، مفهوم منطقی از خصوصیت ذهنی مفهوم منطقی حکایت دارد؛ این قسم مفهوم در حکایت، دوگونه است؛ یا از همان مفهوم با لحاظ نفسی بدون نسبت با سایر مفاهیم حکایت می‌کند؛ مانند: مفهوم کلی منطقی یا با ملاحظه نسبتی که مفهوم منطقی با سایر مفاهیم منطقی دارد؛ مانند سایر مفاهیم مذکور قسم دوم.

(۳) مفاهیم منطقی که موضوع آنها مفهوم فلسفی است؛ مفهوم فلسفی مانند: مفهوم عرض، وجود یا امکان که منشأ انتزاع مفهوم کلی، موضوع یا محمول واقع می‌شوند. محکی‌عنه معقول ثانی منطقی، مفهوم موجود در ذهن و مصداق علم است.^۷ در موردی که مصداق مفهوم منطقی، معقول اول یا معقول ثانی فلسفی است، مصداق؛ مانند: مفهوم حیوان و مفهوم امکان، مفهوم واحد حقیقی است و در موردی که مصداق مفهوم منطقی، معقول ثانی منطقی است، در برخی فروض، مصداق مفهوم منطقی؛ مانند: حد و رسم، (حد و رسم، مصداق مفهوم معرف هستند) مفهومی واحد است و در برخی فروض، مصداق مفهوم منطقی، مفهومی مرکب و وحدت آن اعتباری است؛ مانند: موضوع و محمول که با هم، مصداق مفهوم قضیه واقع می‌شوند؛ یا دو قضیه با هم، مصداق برای مفهوم قیاس، واقع می‌شوند.

اقسام محمول منطقی

محمول منطقی نسبت به واقع ذهنی یا منشأ انتزاع آن دو قسم است:

قسم اول- محمولی است که خصوصیت معنایی مسانخ و مناسب با منشأ انتزاع ندارد و تعدد سنخ مفهوم منطقی، از کثرت سنخ معنایی منشأ انتزاع کاشف نیست؛ همان‌طور که کثرت سنخ منشأ انتزاع، مستلزم کثرت سنخ مفهوم منطقی نیست. این قسم مفهوم؛ مانند: مفهوم موضوع، محمول و کلی است. هر یک از مفاهیم مذکور از معقول اول؛ مانند: انسان و حیوان و معقول ثانی منطقی؛ مانند: جنس و فصل و معقول ثانی فلسفی؛ مانند: امکان و حدوث، انتزاع می‌شود. در انتزاع مفاهیم مذکور، خصوصیت معنایی مناسب میان مفهوم منطقی و منشأ انتزاع وجود ندارد؛ لهذا از هر یک از مفاهیم معقول اول و ثانی منطقی و فلسفی، مفهوم کلی، موضوع و محمول، انتزاع می‌شود.

قسم دوم- محمولی است که خصوصیت معنایی مناسب با منشأ انتزاع دارد. در این قسم، مفهوم منطقی، خصوصیت ذهنی مفهوم ماهوی در حکایت‌گری از افراد خارجی است و تعدد سنخ مفهوم، حکایت از تعدد منشأ انتزاع و تعدد منشأ انتزاع، اقتضای تعدد مفهوم منطقی دارد؛ به طوری که به مثابه مفهوم ذاتی، وحدت و کثرت سنخ مفهوم منطقی کاشف از وحدت و کثرت سنخ منشأ انتزاع و وحدت و کثرت سنخ منشأ انتزاع، مستلزم وحدت و کثرت سنخ مفهوم منطقی است. این قسم مفهوم؛ مانند: مفهوم جنس، فصل، عرض عام و خاص است؛ که منشأ انتزاع هر یک از مفاهیم مذکور، یک سنخ معقول اول است و هر یک از آنها با دیگری جز در مفهوم عرضی، اشتراک ندارد. سنخ واحد مفهوم منطقی؛ مانند: مفهوم جنس از سنخ واحد معقول اولی که جنس است، حکایت می‌کند. مفهوم جنس و نوع و فصل، سنخ کثیر مفهوم منطقی هستند. در هر یک از مناشی انتزاع این قسم مفهوم‌های منطقی خصوصیتی است که فقط یک سنخ مفهوم منطقی بر آنها منطبق می‌شود، هر مفهوم منطقی؛ مانند: جنس یا فصل فقط بر سنخ خاص معقول اول منطبق می‌شود؛ لهذا می‌توان گفت این قسم مفاهیم نسبت به یکدیگر تباین دارند؛ زیرا چند سنخ منشأ انتزاع آنها؛ یعنی معقول اول، نسبت به یکدیگر، اختلاف ذاتی دارند.

تفاوت قسم دوم محمول منطقی و معقول اول

تفاوت این قسم مفاهیم منطقی و مفاهیم ذاتی معقول اول در این است که مفاهیم ذاتی، ماهیت هستند؛ ظرف عروض و اتصاف آنها خارج است و معنای ذاتی عیناً در ذهن و

خارج تحقق می‌یابد؛ برخلاف مفاهیم منطقی که از خصوصیت منشأ انتزاع حکایت می‌کنند و مثل ماهیت به دو وجود ذهنی و عینی تحقق نمی‌یابند. ظرف عروض و اتصاف مفاهیم منطقی، ذهن است و از خصوصیت ذاتی معقول ذهنی، حکایت می‌کنند. به عنوان مثال مفهوم جنس در معنا همان ماده، یا فصل در معنا همان صورت است. این قسم مفاهیم منطقی، شیئیتی علاوه بر شیئیت معنای ذاتی معقول اول ندارند؛ مفهوم جنس، خصوصیت مفهومی معنای ذاتی در ذهن است. مفهوم منطقی، خصوصیت و وصف مفهوم ذاتی در ذهن است. مفهوم ذاتی با مطابق خارجی خود در معنا متحد است؛ این قسم مفاهیم منطقی از آن سبب که خصوصیت مفهوم ماهوی را در ذهن توضیح می‌دهند، به واسطه با خارج ارتباط دارند و همان گونه که منشأ انتزاع آنها؛ یعنی معقول اول ذاتی با مطابق خارجی خود در وحدت و کثرت تلازم دارد، در این قسم مفاهیم نیز با تسری حکم موصوف (معقول اول) به آنها، با منشأ انتزاع خود در وحدت و کثرت، تلازم دارند؛ به خلاف مفهومی مانند: کلی، موضوع یا محمول که فقط خصوصیت مفهوم ذهنی را بیان می‌کنند؛ بدون اینکه حکایتی از خارج داشته باشند.

چگونگی تحقق مفاهیم منطقی در ذهن

معقول ثانی منطقی از آن حیث که در عقل است، عارض بر معروض می‌گردد.^۸ عارض و معروض هر دو ذهنی هستند؛ ولی حیثیت و اعتبار آن دو، متفاوت است. عارض به مناط حاکی و کاشف بودن از مصداق، مفهوم اعتبار می‌شود و معروض به مناط محکی عنه و منطبق علیه بودن برای مفهوم، مصداق اعتبار می‌شود. معقول‌های ثانی منطقی، احوال عارض بر صورت‌هایی هستند که پس از حصول ذهنی و تصرف و تجرید حقیقت آنها، در ذهن حاصل می‌شوند.^۹ مفاهیم منطقی مانند: مفهوم جزئی، جنس، نوع، ذاتی و عرضی، هریک در ذهن، متمایز از دیگری تحقق دارند. به‌طور مثال، عقل یک بار صورت ذهنی شخص خارجی را که با دیگر اشخاص شرکت ندارد، مورد لحاظ قرار می‌دهد و بار دیگر، صورت ذهنی شخصی مانند زید که با بقیه اشخاص مشارکت دارد، به صورت کلی لحاظ می‌کند و در مرحله بعد، صورت کلی حیوان را که شامل انسان و بقیه حیوانات است، مورد ملاحظه قرار می‌دهد.^{۱۰} پس از آن عقل با تألیف مفاهیم جنس و فصل و عرض عام و عرض خاص، حدود تصویری اشیاء را در ذهن ترتیب می‌دهد. همچنین معقول ثانی منطقی در اعتبار دیگر ذهنی می‌تواند منشأ انتزاع مفهوم دیگری؛ مانند مفهوم معقول و مفاهیم مشابه آن

باشد یا مفهوم قضیه که مطابق و مصداق ذهنی آن، هیئت و صورت‌های تألیفی مفاهیم، همراه با اسناد است و در مواردی موضوع و محمول قضیه، از معقول ثانی منطقی فراهم می‌آید و با اعتبارات ذهنی می‌توان هر یک از معقول‌های ثانی منطقی را نسبت به ذهن شخصی که آن مفاهیم را تصور می‌کند یا اذهان اشخاص دیگر، مورد سنجش قرار دارد و مفهومی را حاکی از مفهوم دیگر، لحاظ نمود؛ با اعتبارذهنی، مفهومی می‌تواند حاکی از مفهوم دیگر باشد و مفهوم دیگر، محکی‌عنه مفهوم اول قرار گیرد؛ زیرا هر شیء؛ اعم از حقیقت عینی یا مفهوم ذهنی که محکی‌عنه و مطابق مفهومی قرار گیرد، آن شیء نسبت به آن مفهوم، خارج محسوب می‌شود و منشأ انتزاع آن مفهوم است؛ مانند مفهوم انسان که منشأ انتزاع مفهوم نوع است یا مفهوم انسان که موضوع وصف کلیت است و انسان به حمل شایع، به معقولیت متصف می‌شود؛ زیرا کلیت، مصداق معقولیت است. مفهوم معقول ثانی منطقی نسبت به موضوع و منشأ انتزاع، عرضی است. مفهوم عرضی از حد موضوع خود، خارج است. چند سنخ ماهیت مابین، هر یک منشأ انتزاع مفهوم نوع واقع می‌شوند و در جای خود بیان می‌شود؛ که کثرت موضوع مفهوم منطقی، مستلزم کثرت مفهوم نیست؛ چون در مفهومی که عرضی مصداق است، مفهوم و مصداق در وحدت و کثرت، تلازم ندارند. در عین حال موضوع مفهوم منطقی به رغم اینکه دارای اقسام گوناگون و در سنخ مفهوم متفاوت است؛ منشأ انتزاع معقول ثانی منطقی واقع می‌شود. معقول‌های ثانی منطقی به وجود مصادیق خود در ذهن موجودند و ذهن قسمی از خارج است؛ در نتیجه معقول‌های ثانی منطقی به وجود خارجی، موجود هستند. هرگاه ماهیات و حقایق را من حیث هی هی تصور کنیم، معقول اول هستند و چنانچه برای آنها عوارضی از قبیل جنسیت و ذاتیت اعتبار نماییم یا بر آنها به کلی بودن و امثال آن حکم کنیم، آن عوارض و احکام، معقول‌های ثانی هستند؛ پس معقول‌های ثانی، عوارض طبایع اشیاء هستند از آن حیث که آن طبایع در ذهن اند و تعقل می‌شوند و آن معقول‌ها در خارج عینی، مطابقی ندارند و فقط در عقل موجودند.^{۱۱} معقول‌های ثانی منطقی به اعتبارات گوناگون، از اوصاف مفاهیم ماهوی و معقول‌های ثانی به‌شمار می‌آیند. هرگاه مفهوم در قیاس با فرد خود، تنها از یک شخص حاکی باشد، جزئی است و مفهوم جزئیت از آن مفهوم انتزاع می‌شود و هرگاه مفهوم از ماهیت دارای حقیقت واحد مشترک (اشتراک و وحدت ماهیت در مرتبه عقلانی نفس است؛ ماهیات در خارج به عین وجود افراد و به وصف کثرت موجودند)، انتزاع شود و حکایت نماید، نوع است و همین‌گونه در سایر مفاهیم ماهوی در مقایسه با افراد، مفاهیم

منطقی دیگر در ذهن ادراک می‌شوند. در اعتبار دیگر، معقول‌های ثانی منطقی، عوارض معقول‌های ثانی دیگری هستند؛ مانند: مفاهیم حد و رسم که موضوع آنها معقول ثانی منطقی است یا مفهوم کلی که موضوع آن می‌تواند معقول ثانی فلسفی باشد. در معقول ثانی منطقی همان‌طور که عروض محمول بر موضوع در ذهن است، اتصاف (وجود رابط) آن نیز فقط در ذهن است؛ قضیه‌ای که در آن به کلی، یا جزئی، یا ذاتی، یا عرضی، یا قضیه یا قیاس حکم می‌شود، مفاد و مطابق حکم در آن قضیه، ثبوت شیء برای شیء و اتصاف موضوع به محمول است و آن، فرع بر وجود مثبت‌له در آن ظرف است.^{۱۲} مثبت‌له، وجود ذهنی است؛ پس ظرف عروض ذهن است و اگر در اتصاف موضوع به محمول علاوه بر وجود مثبت‌له، به وجود ثابت در ظرف اتصاف قائل شویم، صفت ذهنی، وجود رابطی است و در ظرف ذهن، مابازاء دارد. مفاهیم منطقی که با فعالیت و سنجش ذهنی تحقق می‌یابند، وحدت و کثرت آنها تابع همان اعتبار و سنجش است. ویژگی معرفت‌شناسانه و مطابقت صورت ذهنی با خارج، آن‌طور که در مفاهیم ماهوی وجود دارد، در مفاهیم منطقی از آن حیث، لحاظ نمی‌شود. براساس مناسبت میان مفهوم و منشأ انتزاع، باید خصوصیت مناسب و مسانخ با مفهوم انتزاعی در منشأ انتزاع وجود داشته باشد؛ تا انتزاع مفهوم خاص از منشأ انتزاع، توجیه شود؛ که اگر جز این باشد، نباید انتزاع مفهوم نوع و نه مفهوم جنس از منشأ انتزاع، صحیح و موجه باشد و پرسش از اینکه چرا مفهوم نوع و نه مفهوم دیگر انتزاع شد، بدون پاسخ می‌ماند. انتزاع مفهوم خاص از منشأ انتزاع، بدون خصوصیت در منشأ انتزاع نه تنها مستلزم ترجیح بدون مرجح است؛ بلکه با عدم وجود خصوصیت در منشأ انتزاع، هیچ مفهومی از موضوع، انتزاع نمی‌شود؛ بنابراین در موضوع و منشأ انتزاع مفاهیم منطقی؛ مانند سایر مفاهیم، باید خصوصیت مناسب با مفهوم، وجود داشته باشد تا هر سنخ مفهوم منطقی بر خصوصیت مناسب آن مفهوم در منشأ انتزاع، منطبق شود.

اقسام معقول ثانی فلسفی

۱. معقول‌هایی که دارای مصداق عینی هستند؛ مانند: مفهوم وجود که مصداق آنها موجود به وجود خود و دارای وجود نفسی و مستقل است.
۲. معقول‌هایی که عروض در ذهن و اتصاف در خارج دارند؛ مانند: امکان، قدم و حدوث، قوه و فعل؛ این مفاهیم، منشأ انتزاع و موصوف دارند و از نظر مشهور مطابق مفاهیم مذکور، به وجود منشأ انتزاع موجود است.^{۱۳} از نظر صدرالمتألهین همه اقسام

معقول ثانی در خارج دارای یک نحوه وجود و مابازاء واقعی هستند؛ بنابراین نظر، این قسم، وجود نفسی مستقل ندارد؛ ولی دارای وجود رابطی و محمولی است.^{۱۴}

۳. معقول‌هایی که در خارج دارای وجود رابطی هستند؛ مثال این قسم، اعدام ملکات است. عدم ملکه برای موضوعی که شأنیت ملکه دارد، ثابت است. شأنیت وجود ملکه در موضوع، در خارج محقق است. مابازاء این قسم معقول، دارای یک گونه وجود ضعیف انتزاعی است و به تبع موضوع در خارج، تحقق دارد.^{۱۵}

۴. معقول‌هایی که طبیعت ثابت و محصل ندارند؛ این قسم از معقول‌ها، به دو قسم منقسم می‌شوند:

الف) معقول‌هایی که در ذهن طبیعت متحصّل ندارند؛ اگرچه در خارج وجود حقیقی ثابت دارند. این قسم، دارای وجود نفسی مستقل است (وجود فی نفسه لِنفسه بنفسه دارد)؛ مانند: مفهوم واجب‌الوجود که برخلاف مفهوم شریک‌الباری، به مصداق خارجی اشاره دارد.

ب) معقول‌هایی که در ذهن و نیز در خارج طبیعت متحصلی ندارند؛ مانند: ممتنع ذاتی. بنا به رأی صدرالمُتألهین، ممتنع خارجی در عقل صورتی ندارند و عقل با تعملات و تصرفات خود برخی مفهوما را عنوان برای امور باطل قرار می‌دهد و آن مفهوما را وسیله‌ای برای شناخت احکام امور عدمی و باطل به‌کار می‌گیرد.^{۱۶}

چگونگی واقعیت خارجی مفاهیم فلسفی

مفهوم اعتباری فلسفی یا از مفاهیمی است که حیثیت مصداق آن خارجی بودن است؛ مانند وجود و صفات حقیقی آن؛ یعنی وحدت و وجوب و غیر آنها به‌طوری که در ذهن - که حیثیت آن عدم ترتب آثار است - داخل نخواهد شد؛ زیرا چنانچه مصداق وجود و صفات حقیقی آن در ذهن داخل شوند، مستلزم دگرگونی آنها از حیث ترتب آثار به عدم ترتب آثار خواهد شد یا مفهوم فلسفی از مفاهیمی است که در خارج، موجود نیست و به ذهن وارد نخواهد شد؛ مانند: عدم که اگر جز این باشد، به شیئی که وجود خارجی را می‌پذیرد، دگرگون می‌شود و این لازم، باطل است؛ زیرا هر شیئی که وجود خارجی ندارد، وجود ذهنی نخواهد داشت.^{۱۷} محققان در تحقق یا عدم تحقق معقول ثانی فلسفی در خارج و نیز در چگونگی آن، اختلاف نظر دارند. برخی معقول ثانی فلسفی؛ مانند: مفهوم امکان را

موجود به وجود موضوع در اعیان می‌شناسند؛ که ظرف عروض آن در ذهن و اتصاف در خارج است.^{۱۸} برخی آن را در خارج موجود مستقل و منحاز می‌دانند و برخی دیگر آن را مفهومی اعتباری محض و فاقد صورت در اعیان می‌شناسند.^{۱۹} از نظر مشهور فیلسوفان، معقول ثانی فلسفی، مابه‌ازاء خارجی ندارد و به وجود منشأ انتزاع، موجود است. صدرالمتألهین نظریه کسانی که معقول‌های ثانی را صرفاً اعتبارهای ذهنی و فاقد مصداق و مابازاء خارجی می‌دانند، رد می‌کند.^{۲۰} او برخلاف نظریه رایج فیلسوفان که ظرف عروض و وجود رابطی معقول ثانی فلسفی را ذهن و ظرف اتصاف و وجود رابط آن را خارج می‌دانند، با نظر به اشکالی که بر دیدگاه رایج وارد است، ظرف عروض آن را ذهن و خارج می‌داند.

طبق نظر مشهور، معقول ثانی فلسفی ما بازاء خارجی ندارد و به وجود منشأ انتزاع، موجود است. اشکالی که به نظریه فیلسوفان وارد می‌شود، این است که معقول ثانی فلسفی اگر کیفیت نسبت قرار گیرد، عارض چیزی نبوده و محمول شیء نخواهد بود و تابع خود نسبت است و در هر ظرفی که نسبت باشد، کیفیت آن هم که مصداقاً عین آن است، در همان ظرف به‌طور تبعی یافت می‌شود؛ ولی اگر وصف چیزی قرار گرفت، به عنوان عارض و محمول مطرح می‌شود نه به عنوان کیفیت نسبت و بین هر عارض و معروض، رابط برقرار است و چگونه می‌توان تصدیق کرد در رابط تابع طرفین، یک طرف ربط؛ یعنی موضوع و موصوف، در خارج موجود باشد و طرف دیگر که محمول و صفت است، در ذهن موجود باشد، آنگاه وجود رابط بتواند موجود ذهنی را به موجود عینی مرتبط سازد تا نحوه اتصاف موجود خارجی به وصف و معقول ثانی فلسفی، توجیه شود؟^{۲۱} صدرالمتألهین نظریه گروهی که جایز می‌دانند اتصاف خارجی صرفاً با وجود مثبت له و بدون ثابت و با بودن موضوع و موصوف، بدون صفت محقق می‌شود، را باطل می‌داند.^{۲۲} او بر مدعای خود چنین استدلال می‌کند: «حق این است که اتصاف، نسبت بین دو چیز است و به حسب وجود در ظرف اتصاف، دو وجود مغایرند، براین اساس، حکم به وجود یکی از دو طرف، بدون طرف دیگر در ظرفی که اتصاف محقق است، بی‌وجه است».^{۲۳}

بر مبنای تشکیک وجود، هریک از اشیاء و اوصاف، دارای مرتبه‌ای از وجود و آثار مختص به آن مرتبه هستند. البته اشیاء در موجودیت، تفاوت دارند و براساس تفاضل در وجود، برخی از وجود، بهره‌ای خاص دارند و برخی دیگر، فاقد این نحوه خاص از وجود هستند؛ پس هریک از صفات؛ حتی اضافات و اعدام ملکات، مرتبه‌ای از وجود را حائزند و

آثار مختص به خود دارند و موضوع آنها امکان ندارد به آنها متصف شود؛ جز آنکه آن اوصاف، برای موصوف آنها موجود باشند.^{۲۴} اگر اتصاف در خارج است، صفت نیز در خارج تحقق دارد و اگر اتصاف ذهنی است، صفت در ذهن موجود است. براین اساس، مفهوم معقول ثانی فلسفی، از مابازاء حاکی است و چیزی و آن نیست و همچنین آن مفهوم ذاتی مابازاء نخواهد بود.^{۲۵} در مفهوم وجود با نظر به اینکه صدرالمتألهین آن را نظیر مفهوم ذاتی ایساغوجی از حاق و تمام مصداق منتزع می‌داند، مفهوم وجود از خارج حکایت می‌کند و بر آن منطبق است.^{۲۶} در سایر مفاهیم فلسفی که صدرالمتألهین آنها را دارای مابازاء خارجی می‌داند، هریک از آن مفاهیم، بر مابازاء خارجی خود، منطبق است و از آن حکایت می‌کند. براساس نظر مشهور در معقول فلسفی که آن را فاقد مابازاء و به وجود منشأ انتزاع موجود می‌داند، در منشأ انتزاع، خصوصیتی لحاظ نمی‌شود.

ایرادی که بر نظر مشهور وارد می‌شود آن است که با نبود خصوصیت در منشأ انتزاع، انتزاع مفهوم خاص از موضوع و انطباق بر آن، توجیهی ندارد؛ زیرا فاقد ملاک است؛ لهذا براساس مناسبت میان مفهوم و منشأ انتزاع در خصوصیت معنایی، باید خصوصیت مناسب و مسانخ با مفهوم انتزاعی در منشأ انتزاع وجود داشته باشد تا انتزاع مفهوم خاص از منشأ انتزاع توجیه شود؛ چنانچه هیچ جهت و خصوصیت مشترکی در منشأ انتزاع وجود نداشته باشد و در عین حال از منشأ انتزاع، مفهوم خاص فلسفی انتزاع شود، مستلزم ترجیح بدون مرجح است و ترجیح بدون مرجح به بداهت عقل، باطل است؛ پس ناگزیر در منشأ انتزاع، خصوصیت مناسب با هریک از مفاهیم وجود دارد و هریک از آنها بر آن خصوصیت، منطبق است و از آن حکایت می‌کند.

نسبت محمول من صمیمه و مبدأ انتزاع آن در وحدت و کثرت

در این بخش از بحث، رابطه معقول ثانی منطقی و معقول ثانی فلسفی و منشأ انتزاع آنها از حیث وحدت و کثرت، مورد بررسی قرار می‌گیرد. برحسب دیدگاه مشهور، معقول ثانی فلسفی و منطقی نسبت به موضوع و منشأ انتزاع، عرضی خارج محمول من صمیمه هستند؛ مابازاء خارجی ندارند و به وجود منشأ انتزاع موجود هستند. در این مفاهیم، ظرف عروض محمول و وصف، ذهن و ظرف اتصاف و رابط، خارج است.^{۲۷} این مفاهیم، معانی خارج و لازم موضوع هستند و از مناشی انتزاعی که در ذهن تصور می‌گردند، انتزاع می‌شوند. طبق نظر مشهور، در منشأ انتزاع مفاهیم انتزاعی محمول من صمیمه خصوصیتی مناسب با آن

مفاهیم، لحاظ نمی‌شود؛ ولی بر اساس اتحاد مفهوم و مطابق آن در معنی، میان مفهوم انتزاعی و منشأ انتزاع آن، ناگزیر خصوصیت مشترک وجود دارد، تا اینکه انتزاع مفهوم از موضوع، دارای ملاک باشد؛ لهذا، وحدت و کثرت معقول ثانی با وحدت و کثرت خصوصیت در منشأ انتزاع، ملازمه دارد. در مسأله رابطه مفهوم عرضی و موضوع در وحدت و کثرت، میان عرضی محمول بالضمیمه و عرضی محمول من صمیمه به مسلک مشهور- که در منشأ انتزاع محمول من صمیمه خصوصیتی لحاظ نمی‌کنند- تفاوتی نیست. کثرت موضوع در هر دو، مستلزم کثرت مفهوم عرضی نیست؛ همان طور که کثرت مفهوم از کثرت موضوع و منشأ انتزاع کاشفیت ندارد. ولی هرگاه در منشأ انتزاع مفهوم عرضی محمول من صمیمه، خصوصیت مناسب با مفهوم، لحاظ شود، منشأ انتزاع و مفهوم انتزاعی در وحدت و کثرت، تلازم دارند؛ یعنی وحدت و کثرت منشأ انتزاع مستلزم وحدت و کثرت مفهوم انتزاعی و وحدت و کثرت مفهوم انتزاعی از وحدت و کثرت منشأ انتزاع کشف می‌کند.^{۲۸}

رابطه محمول منطقی و واقع ذهنی در وحدت و کثرت

در اینجا از رابطه محمول منطقی و منشأ انتزاع در وحدت و کثرت به وجه کلی بحث می‌شود.

بر اساس فروزی که در مسأله رابطه مفهوم و مصداق از حیث وحدت و کثرت تصور می‌شود، گزاره‌های مختلفی صورت‌بندی می‌شوند:

بیان نسبت در محمول منطقی قسم اول

چنانچه محمول منطقی قسم اول باشد- محمولی که خصوصیت معنایی مناسب و هم‌سنخ با واقع ذهنی خود ندارد و میان مفهوم و مبدأ انتزاع آن مناسبتی لحاظ نشود؛ در این فرض، تعدد و کثرت سنخ مفهوم منطقی از کثرت سنخ معنایی واقع و منشأ انتزاع کاشف نیست؛ همان طور که کثرت سنخ واقع و منشأ انتزاع، مستلزم کثرت سنخ مفهوم منطقی نیست- نسبت میان واقع ذهنی و مفهوم منطقی در وحدت و کثرت را می‌توان در چهار گزاره بیان نمود:

- گزاره اول- وحدت واقع ذهنی؛ مانند: مفهوم حیوان در ذهن، مستلزم وحدت مفهوم منطقی نیست؛ زیرا انتزاع مفاهیم کثیر؛ مانند: مفهوم کلی، جنس، موضوع و محمول،

- از منشأ انتزاع واحد؛ یعنی حیوان، جایز است.
- گزاره دوم-کثرت واقع ذهنی؛ مانند: مفهوم حیوان، انسان و ناطق در ذهن، مستلزم کثرت مفهوم منطقی نیست؛ زیرا انتزاع مفهوم واحد منطقی مانند: کلی، محمول یا موضوع از منشأ انتزاع کثیر مذکور، جایز است.
- گزاره سوم-وحدت مفهوم منطقی؛ مانند: مفهوم محمول، از سنخ واحد منشأ انتزاع کاشف نیست؛ زیرا انتزاع مفهوم مذکور، از واقع ذهنی کثیر؛ مانند: مفهوم حیوان، انسان و ناطق-که منشأ انتزاع مفهوم محمول واقع می‌شوند- جایز است.
- گزاره چهارم-کثرت مفهوم منطقی؛ مانند: مفهوم کلی، نوع، موضوع و محمول، از واقع ذهنی کثیر کشف نمی‌کند؛ زیرا انتزاع مفاهیم کثیر یاد شده، از واقع ذهنی واحد، مانند: انسان ذهنی، جایز است.

بیان نسبت در محمول منطقی قسم دوم

- چنانچه محمول منطقی قسم دوم باشد-محمولی که خصوصیت معنایی مناسب با منشأ انتزاع دارد و تعدد سنخ مفهوم، از تعدد منشأ انتزاع حکایت دارد و تعدد منشأ انتزاع، اقتضای تعدد مفهوم منطقی دارد- مفهوم منطقی از خصوصیت در واقع کشف می‌کند و میان آن دو (مفهوم و واقع ذهنی) در وحدت و کثرت، تلازم است. در این قسم نیز، نسبت میان مفهوم منطقی و منشأ انتزاع آن در چهارگزاره بیان می‌شود:
- گزاره اول-وحدت سنخ واقع ذهنی، مستلزم وحدت مفهوم منطقی در ذهن است. اگر فرض کنیم منشأ انتزاع واجد خصوصیت نوعی است؛ مانند: مفهوم انسان در ذهن، وحدت سنخ واقع ذهنی، مستلزم تحقق مفهوم واحد نوع در ذهن است.
 - گزاره دوم-کثرت خصوصیت یا سنخ کثیر واقع ذهنی، مستلزم کثرت مفهوم منطقی در ذهن هستند؛ مانند: مفهوم حیوان در ذهن که واجد خصوصیت جنسی و نوعی به دو لحاظ است. از یک لحاظ، جنس و به لحاظ دیگر، نوع است یا مفهوم حیوان، انسان و ناطق، مستلزم کثرت مفهوم جنس، نوع و فصل در ذهن هستند.
 - گزاره سوم- وحدت مفهوم منطقی؛ مانند: عرضی خاص، از وحدت خصوصیت در منشأ انتزاع آن؛ مانند: خندان، کشف می‌کند. خندان معقول اول و منشأ انتزاع مفهوم منطقی عرضی خاص است. خصوصیت عرضی خاص در منشأ انتزاع ذهنی آن تحقق دارد.

- گزاره چهارم-کثرت مفهوم منطقی؛ مانند: مفهوم نوع و جنس، از کثرت منشأ انتزاع؛ یعنی انسان، حیوان یا از کثرت خصوصیت در منشأ انتزاع در مثال حیوان- که به یک لحاظ جنس و به لحاظ دیگر نوع است- کشف و حکایت می‌کند.

رابطه محمول فلسفی و واقع آن در وحدت و کثرت

اکنون نسبت مفاهیم فلسفی و واقع آنها از حیث وحدت و کثرت مورد بررسی قرار می‌گیرد، در اینکه منشأ انتزاع مفهوم فلسفی، وجود عینی یا ذهنی باشد، تفاوتی نیست. در مسأله تفاوت مفهوم و منشأ انتزاع در وحدت و کثرت، بر وجود یا عدم ویژگی مفهوم فلسفی در منشأ انتزاع آن، مبتنی است.

چنانچه سنخیت مفهوم انتزاعی با منشأ انتزاع آن یا خصوصیت مفهوم فلسفی در منشأ انتزاع آن، لحاظ نشود، می‌توان نسبت میان مفهوم فلسفی و منشأ انتزاع آن را از حیث وحدت و کثرت، در چهار گزاره بیان نمود:

- گزاره اول-وحدت مفهوم انتزاعی از وحدت منشأ انتزاع کاشف نیست؛ زیرا همان طور که در فرض دوم اشاره شد، انتزاع مفهوم واحد از منشأ انتزاع کثیر، جایز است.
- گزاره دوم-کثرت مفهوم انتزاعی از کثرت منشأ انتزاع کاشف نیست؛ زیرا همان طور که در فرض اول اشاره شد، انتزاع مفهوم کثیر از منشأ انتزاع واحد، جایز است.
- گزاره سوم- وحدت منشأ انتزاع، مستلزم وحدت مفهوم انتزاعی نیست؛ زیرا از یک سنخ منشأ انتزاع، مفهوم کثیر، انتزاع می‌شود. از سنخ واحد وجود در خارج، مفاهیم شیئی، امکان و حدوث انتزاع می‌شود یا از سنخ وجود خاص انسان، مفهوم شیئی، حادث و معلول، انتزاع می‌شود.
- گزاره چهارم-کثرت منشأ انتزاع، مستلزم کثرت مفهوم انتزاعی نیست؛ زیرا انتزاع مفهوم واحد، از منشأ انتزاع کثیر ممکن است. مثال این مورد، وجودهای خاص هستند که به تبع ماهیت‌ها، دارای کثرت عرضی هستند و از ماهیت انسان، سنگ و چوب، می‌توان مفهوم ماهیت یا مفهوم جوهر را انتزاع کرد.

هرگاه در منشأ انتزاع مفهوم فلسفی، بر اساس سنخیت میان منشأ انتزاع و مفهوم انتزاعی، خصوصیت مناسب و مسانخ مفهوم انتزاعی لحاظ گردد، وحدت مفهوم از وحدت

خصوصیت در منشأ انتزاع آن کشف می‌کند و کثرت سنخی منشأ انتزاع، مستلزم کثرت مفهوم انتزاعی است. بنابراین نظر، نسبت محمول فلسفی و خصوصیت معنایی آن در منشأ انتزاع را می‌توان در پنج گزاره بیان نمود:

- گزاره اول- وحدت مفهوم انتزاعی از وحدت خصوصیت در منشأ انتزاع، کاشف است. مفهوم واحد وجود یا امکان از وحدت سنخ واحد خصوصیت وجود یا امکان در منشأ انتزاع، حکایت دارد.
- گزاره دوم- کثرت مفهوم انتزاعی در مورد موجود امکانی، از کثرت خصوصیت در منشأ انتزاع، کاشف است. مفهومی؛ مانند: ممکن، حادث و معلول، از کثرت خصوصیت در منشأ انتزاع واحد یا کثیر، حکایت می‌کند.
- گزاره سوم- کثرت معنا و مفهوم انتزاعی در مورد حق تعالی از کثرت خصوصیت و تعدد حیثیت در ذات واجب تعالی، کشف و حکایت نمی‌کند. وجود بسیط واجب تعالی به وحدت خود، واجد و جامع همه اوصاف کمال است. حق تعالی به علت وجوب وجود و عدم تناهی وجود، واجد همه مراتب است. او با بساطت خود دارای همه اوصاف کمال است. اوصاف کمال وی از سنخ وجود خارج نیست. هرگاه موجودی نامتناهی باشد، اوصاف کمال مانند: حیات، علم و قدرت، بدون امتیاز، حد وجودی و اختلاف حیثی در او تحقق دارند؛ به خلاف موجود امکانی که هر یک از اوصاف کمال، در آن با تفاوت حیثی و با حد خاص خود تحقق دارد.
- گزاره چهارم- وحدت خصوصیت در منشأ انتزاع مفهوم، مستلزم وحدت مفهوم انتزاعی است، خصوصیت واحدی؛ مانند: امکان در منشأ انتزاع واحد یا کثیر، مستلزم تحقق آن معنا و خصوصیت به وجود مفهومی در ذهن است.
- گزاره پنجم- کثرت خصوصیت در منشأ انتزاع، مستلزم کثرت مفهوم انتزاعی در ذهن است. در فرضی که منشأ انتزاع، ماهیت موجود واحد یا کثیر است و در آن ماهیت موجود، خصوصیت و حیث امکان، حادث و معلولیت است، خصوصیت و حیث کثیر، مستلزم تحقق مفاهیم ممکن، حادث و معلول در ذهن است.

نتیجه

در مسأله مفاهیم اعتباری حقیقی و واقع خارجی و ذهنی آنها در وحدت و کثرت، اقسام

مفاهیم منطقی و فلسفی و مناشی انتزاع آنها مورد بحث قرار گرفت. در این مقاله با بیان اقسام مفاهیم منطقی و فلسفی، در تبیین مسأله، گونه تحقق مفاهیم منطقی و فلسفی بررسی شد. در توضیح نسبت مفاهیم اعتباری حقیقی و مبدأ انتزاع آنها بیان شد: در مفاهیم منطقی که خصوصیت معنایی مناسب و مسانخ با منشأ انتزاع خود ندارند، مفاهیم مذکور و منشأ انتزاع آنها در وحدت و کثرت تلازم ندارند؛ یعنی وحدت و کثرت منشأ انتزاع مستلزم وحدت و کثرت مفهوم منطقی نیست؛ همان‌طور که وحدت و کثرت مفهوم منطقی از وحدت و کثرت منشأ انتزاع کاشفیت و حکایت ندارد. در مفاهیم منطقی که خصوصیت معنایی مناسب با منشأ انتزاع دارند، میان مفهوم و منشأ انتزاع آن در وحدت و کثرت، تلازم است.

در بحث از رابطه مفاهیم فلسفی و منشأ انتزاع آنها از حیث وحدت و کثرت، برحسب دیدگاه مشهور، معقول‌های ثانی نسبت به موضوع و منشأ انتزاع آنها، عرضی محمول من صمیمه هستند؛ مابازاء خارجی ندارند و به وجود منشأ انتزاع موجود هستند؛ یعنی ظرف عروض محمول و وصف، ذهن و ظرف اتصاف و رابط، خارج است. طبق این نظر، در منشأ انتزاع مفاهیم مذکور، خصوصیتی مناسب با مفاهیم، لحاظ نمی‌شود؛ در این قسم، مفهوم و منشأ انتزاع آن در وحدت و کثرت، تلازم ندارند؛ ولی براساس این مبنا که میان معقول ثانی و منشأ انتزاع آن در ویژگی معنایی اتحاد و خصوصیت مشترک وجود دارد، معقول ثانی با منشأ انتزاع خود در وحدت و کثرت تلازم دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله از رساله دکتری با عنوان: «رابطه مفهوم و مصداق از حیث وحدت و کثرت» با راهنمایی اساتید آقایان دکتر فیاض صابری و دکتر فرامرزی قراملکی دفاع شده در دانشگاه فردوسی مشهد، مستخرج است.
۲. اعتبار از ماده «عبر» است. «عبر» در اصل تجاوز از حالی به حال دیگر است. اعتبار و عبرت به حالتی اطلاق می‌شود که از معرفت امر مشاهده، به آنچه مشاهده نیست، وصول و انتقال حاصل می‌شود. (راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین، معجم مفردات الفاظ القرآن: ۳۳۱) علامه طباطبائی «اعتبار» را اعطای حد یا حکم شیء برای شیء دیگر، به تصرف و هم تعریف می‌کند (طباطبائی، سید محمد حسین، رسائل سبعة: ۱۲۹).
۳. طباطبائی، سید محمد حسین، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۲: ۲۰۰ و ۱۷۳ - ۱۷۰.
۴. همان: ۲۰۰.
۵. همان.
۶. شیرازی، صدرالدین محمد، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۱، ۳۳۵.
۷. مصداق علم، قیام حلولی یا صدوری به نفس دارد. علم، وجود ناعنی است که عدم را از ماهیت خود و نیز عدمی را از موضوع، سلب می‌کند.
۸. آملی، محمد تقی، درالفوائد، ج ۱، ص ۱۳۴.
۹. ساوی، عمرین سهلان، البصائر النصیریة فی علم المنطق، ص ۵۷.
۱۰. شیرازی، صدرالدین محمد، همان، ج ۲، ص ۲۹۱ - ۲۹۰.
۱۱. طوسی، نصیرالدین، شرح الاشارات و التنبیها، ج ۱، تعلیقه قطب‌الدین رازی، ص ۱۷.
۱۲. شیرازی، صدرالدین محمد، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۴، ص ۱۸۹.
۱۳. سبزواری ملاهادی، شرح منظومه، ص ۶۳ و طباطبائی سید محمد حسین، بدایة الحکمة، ص ۵۴ همو، نهاية الحکمة، ص ۴۳ - ۴۵.
۱۴. شیرازی، صدرالدین محمد، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۱، ص ۳۳۶ - ۳۳۷.
۱۵. حلّی حسن ابن یوسف، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۴۰ و شیرازی صدرالدین محمد، همان، ص ۳۳۷.
۱۶. شیرازی، صدرالدین محمد، همان، ج ۱، ص ۳۱۱.
۱۷. طباطبائی، سید محمد حسین، نهاية الحکمة، ص ۲۵۶.
۱۸. همو، بدایة الحکمة، ص ۵۴ و همو، نهاية الحکمة، ص ۴۳ - ۴۵.
۱۹. همو، نهاية الحکمة، ص ۴۵ - ۴۴.
۲۰. مقصود از معقول ثانی فلسفی در این موضع، مواد ثلاث؛ یعنی ضرورت، امکان و امتناع است.
۲۱. جوادی آملی، عبدالله، شناخت شناسی در قرآن، ص ۱۲۱.
۲۲. صدرالمتألهین حظ صفت از وجود را از حظ موصوف به صفت، اقوی می‌داند و به نظر وی موصوف، منشأ اتصاف نیست؛ بلکه مفهوم اتصاف در هر طرف این است که صفت به گونه‌ای منشأ حکم بر موصوف شود اعم از اینکه صفت به نحو انضمامی یا انتزاعی باشد. (شیرازی، صدرالدین محمد، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۱، ص ۳۳۸).

۲۳. همان، ص ۳۳۷ - ۳۳۶.

۲۴. همان، ص ۳۳۷. مرحوم علامه طباطبائی رأی صدرالمতألهین را حق صریحی که تردیدی در آن وجود ندارد، می‌داند و اظهار می‌دارد لازمه وجود رابط این است که دو طرف نسبت در ظرف تحقق رابط موجود باشند و اینکه معنا ندارد در تحقق قضیه یکی از دو طرف ذهنی و طرف دیگر خارجی باشد و یا یکی از دو طرف حقیقی و طرف دیگر، مجازی باشد (همان، ص ۳۳۷).

۲۵. مرحوم سبزواری (قده) با نظر صدرالمتألهین در تحقق خارجی وجود رابطی و محمولی معقول ثانی فلسفی، مخالف است و به نظر وی پذیرش دیدگاه صدرالمتألهین موجب هدم بسیاری از قواعد فلسفی از قبیل قاعده «ثبوت شیء برای شیء فرع ثبوت مثبت له است و نه فرع ثبوت ثابت»، می‌شود و محمول‌های عدمی اگر در خارج موجود باشند، تسلسل لازم می‌آید و اینکه حمل، اتحاد در وجود است و اتحاد در فرضی محقق است که وجود واحد برای موضوع ثابت باشد و به این سبب است که اهل تحقیق عقیده دارند در طرف موضوع، ذات معتبر است و آنچه در محمول اعتبار دارد، مفهوم است و از این بیان نتیجه می‌گیرد که وجود داشتن محمول، لازم نیست و بلکه عدم محمول لازم است اگر محمول موجود باشد، به سبب و مقتضی دیگری است و علاوه بر این، آنچه در محمول اعتبار دارد، آن است که لایشرط باشد تا بر موضوع حمل شود؛ بنابر این در اتصاف و حمل محمول بر موضوع، جز مفهوم معتبر نیست. برای موضوع و مثبت له وجود داشتن اعتبار می‌شود و نه برای ثابت، مرحوم سبزواری (قده) در مسأله، در اینکه اتصاف موضوع به معقول ثانی فلسفی مستدعی وجود داشتن محمول نیست، ادعای بدهت می‌کند (شیرازی، صدرالدین محمد، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۱، حاشیه مرحوم سبزواری، ص ۳۳۷). مرحوم سبزواری در جای دیگر تصریح دارد نسبت‌های انتزاعی همانند اعتبارات نیش غولی نیستند تا اینکه هیچ گونه منشأ واقعی نداشته باشند؛ بلکه برای آنها منشأ انتزاع واقعی وجود دارد و تحقق مفاهیم انتزاعی به معنای وجود منشأ انتزاع آنها است. بنابراین، بحث از مفاهیم انتزاعی، بحث از موجودهای خارجی است (همان، حاشیه محقق سبزواری، ص ۳۳۹ و ر.ک: سبزواری، ملاهادی، شرح المنظومه، قسمت فلسفه، ص ۳۹ - ۴۰).

۲۶. ر.ک: شیرازی، صدرالدین محمد، همان، ص ۶۵ و زنوزی، ملاعبدالله، لمعات الهیه، ص ۱۵۷ - ۱۵۸.

۲۷. طباطبائی، سیدمحمدحسین، بدایة الحکمة، ص ۵۴.

۲۸. وحدت و کثرت سنخی بنابر وجود خصوصیت در منشأ انتزاع، با آنچه در موضوع عرضی محمول بالضمیمه و عرضی محمول من صمیمه به مسلک مشهور است، تفاوت دارد. بر مبنای تحقق خصوصیت در منشأ انتزاع، مقصود از وحدت و کثرت سنخی، وحدت و کثرت خصوصیت در منشأ انتزاع است؛ یعنی خصوصیت واحد یا کثیر؛ مانند: امکان، حدوث و معلولیت، در منشأ انتزاع تحقق یابد؛ بدون تفاوت در اینکه منشأ انتزاع، وجود کثیر یا واحد باشد؛ ولی براساس نظر مشهور که به تحقق خصوصیت در منشأ انتزاع قائل نیستند، مراد از وحدت یا کثرت سنخی، وحدت یا کثرت سنخ وجود ماهیت‌هایی؛ مانند: انسان، اسب و سنگ است؛ که منشأ انتزاع مفاهیم محمول من صمیمه، واقع می‌شوند. البته وحدت و کثرت سنخی به معنای وحدت و کثرت خصوصیت در منشأ انتزاع و وحدت و کثرت سنخ وجود صورت‌های ماهوی، بریکدیگر منطبق می‌شوند. صورت نوعی واحد یا کثیر، ممکن است منشأ انتزاع خصوصیت کثیر فلسفی باشد.

منابع

- آملی، محمد تقی، درالفوائد، ج ۱، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، بی تا.
- جوادی آملی، عبدالله، شناخت شناسی درقرآن، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، ۱۳۷۰.
- حلی، حسن ابن یوسف، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، مؤسسه نشر اسلامی قم، ۱۴۰۷هـ.ق.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین، معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: ندیم مرعشلی، دار الکاتب العربی، بی جا، بی تا.
- زوزی، ملاعبدالله، لمعات الهیه، تصحیح: سید جلال الدین آشتیانی، انتشارات انجمن فلسفه ایران، تهران، ۱۳۹۷ق.
- ساوی، عمر بن سهلان، البصائرالنصیریة فی علم المنطق، تصحیح: سیدجلال الدین آشتیانی، انتشارات انجمن فلسفه ایران، تهران، ۱۳۹۷ق.
- سبزواری، ملاهادی، شرح المنظومه، انتشارات دارالعلم، قم، ۱۳۶۶ هـ. ش.
- شیرازی، صدرالدین محمد، الحکمة المتعالیة فی الاسفارالعقلیة الاربعة، ج ۱، داراحیاء التراث، بیروت، ۱۹۸۱م.
- _____ الحکمة المتعالیة فی الاسفارالعقلیة الاربعة، ج ۲، داراحیاء التراث، بیروت، ۱۹۸۱م.
- _____ الحکمة المتعالیة فی الاسفارالعقلیة الاربعة، ج ۴، داراحیاء التراث، بیروت، ۱۹۸۱م.
- طباطبائی، سید محمدحسین، نهاية الحکمة، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۰۴ هـ.ق.
- _____ رسائل سبعة، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی و نشر کتاب، قم، ۱۳۶۲هـ. ش.
- _____ اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۲، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۲هـ. ش.
- _____ بدایة الحکمة، تصحیح: غلامرضا فیاضی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۳۶۴هـ. ش.
- _____ طوسی، محمد ابن حسن (نصیرالدین)، شرح الاشارات والاتنبیہات، ج ۱، دفتر نشر کتاب، تهران، ۱۴۰۳هـ.ق.